

بنام خدا

دفتر اول

هوای آلوده

شعر گونه هایی از دکتر فرامرز هندسی

دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر

دانشگاه صنعتی اصفهان

تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰

پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

×× توجه این شعر گونه ها هنوز تصحیح کامل نشده و هنوز مجوز چاپ ندارد و صرفاً جهت نظر

خواهی در اختیار بعضی دوستان قرار گرفته است ××

فهرست

| | | |
|----|-----------------------------|-------------------|
| ۵ | بنام خدای رهاننده از آلودگی | شعر گونه شماره ۵۰ |
| ۵ | آخر دنیا | شعر گونه شماره ۴۹ |
| ۸ | کینه | شعر گونه شماره ۴۸ |
| ۱۰ | عینکی از کین | شعر گونه شماره ۴۷ |
| ۱۲ | واحد اجباری | شعر گونه شماره ۴۶ |
| ۱۴ | رویایی دارم من | شعر گونه شماره ۴۵ |
| ۱۶ | عاشقانه | شعر گونه شماره ۴۴ |
| ۲۱ | هوای آلوده | شعر گونه شماره ۴۳ |
| ۲۹ | رنجش شعر | شعر گونه شماره ۴۲ |
| ۲۹ | مرنجان | شعر گونه شماره ۴۱ |
| ۳۰ | می خواستم | شعر گونه شماره ۴۰ |
| ۳۲ | زنی را می شناسم من | شعر گونه شماره ۳۹ |
| ۳۳ | گناه | شعر گونه شماره ۳۸ |
| ۳۳ | زمان | شعر گونه شماره ۳۷ |
| ۳۵ | رویای شعر | شعر گونه شماره ۳۶ |
| ۳۷ | روز کتابدار | شعر گونه شماره ۳۵ |
| ۳۷ | رفتارش | شعر گونه شماره ۳۴ |
| ۳۸ | دوست دارم بگویم | شعر گونه شماره ۳۳ |
| ۳۹ | دانشگاه | شعر گونه شماره ۳۲ |
| ۳۹ | آتش | شعر گونه شماره ۳۱ |
| ۴۰ | جاده | شعر گونه شماره ۳۰ |

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

| | |
|----|---------------------------------------|
| ۴۱ | عباس شعر گونه شماره ۲۹ |
| ۴۲ | همسفران شعر گونه شماره ۲۸ |
| ۴۲ | ناسازگار شعر گونه شماره ۲۷ |
| ۴۳ | نوبت شعر گونه شماره ۲۶ |
| ۴۳ | نفرین شعر گونه شماره ۲۵ |
| ۴۴ | خبرت هست شعر گونه شماره ۲۴ |
| ۴۴ | غرور شعر گونه شماره ۲۳ |
| ۴۵ | غره شعر گونه شماره ۲۲ |
| ۴۵ | درد گران شعر گونه شماره ۲۱ |
| ۴۵ | افسوس شعر گونه شماره ۲۰ |
| ۴۶ | دل سنگ شعر گونه شماره ۱۹ |
| ۴۷ | اجل دوباره شعر گونه شماره ۱۸ |
| ۴۸ | بزرگداشت دکتر طحانی شعر گونه شماره ۱۷ |
| ۴۸ | سپهر شعر گونه شماره ۱۶ |
| ۴۹ | تظاهر شعر گونه شماره ۱۵ |
| ۵۰ | اتوبوس شعر گونه شماره ۱۴ |
| ۵۲ | حج ۲۰۰۰ شعر گونه شماره ۱۳ |
| ۵۴ | عینک شعر گونه شماره ۱۲ |
| ۵۵ | قربانی شعر گونه شماره ۱۱ |
| ۵۶ | اجل شعر گونه شماره ۱۰ |
| ۵۸ | دخترم شعر گونه شماره ۹ |
| ۵۹ | باغ وحش شعر گونه شماره ۸ |
| ۶۱ | من نیستم شعر گونه شماره ۷ |
| ۶۳ | بیست ساله شعر گونه شماره ۶ |
| ۶۵ | پسرم شعر گونه شماره ۵ |

××توجه این شعر گونه ها هنوز تصحیح کامل نشده و هنوز مجوز چاپ ندارد و صرفا جهت نظر خواهی در اختیار بعضی دوستان قرار گرفته است××

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

- ۶۶ **خاکسپاری** شعر گونه شماره ۴
- ۶۸ **عموجان** شعر گونه شماره ۳
- ۶۹ **برادر** شعر گونه شماره ۲
- ۷۰ **دردهایت** شعر گونه شماره ۱

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

بنام خدای رهاننده از آلودگی شعر گونه شماره ۵۰

بنام خدای مهربانی و بخشندگی
خدایی که پاک است ز آلودگی

خدایی که عشق را آفرید
وز آن دیده، جهان را بدید

خدای محبت ، خدای صفا
خدایی که دوست ندارد جفا

خدای دوستی ، خدای وفا
خدایی که بیناست بر خفا

خدای یاری دهنده، خدای رهنما
خدایی که سازد ز آلودگی رها

آخر دنیا شعر گونه شماره ۴۹

امسال،
شب یلدا
گویند که هست ،
آخر دنیا
من هم گویم که هست
اما عجیب نیست
که دنیا
قبلا به آخر رسیده
نه یک بار

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

بارها رسیده
آنگاه که آدم
خورد فریب
آنگاه که عیسی
شد بر صلیب
آنگاه که محمد
داغدار شد
آنگاه که علی
غصه دار شد
آنگاه که عباس
بی دست شد
آنگاه که حسین
بی سر شد
آنگاه که فرهاد
کشته شد به نیرنگ
آنگاه که رستم
با سهراب کرد جنگ
آنگاه که مجنون
ز عشق دیوانه شد
آنگاه که سیاوش
در آتش روانه شد
آنگاه که حلاج بر دار شد
آنگاه که صوفی خرقه دار شد
آنگاه که ظلم پیروز شد
دنیا به آخر رسید
آنگاه که عاشق در خون شد
دنیا به آخر رسید
آنگاه که هر داستانی

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

نداشت پایان خوشی
دنیا به آخر رسید
تا شاید
در شروع دیگر دنیا
خوش سازیم
پایان هر داستانی را
اما افسوس که هر بار
یکسان
دنیا به آخر رسید
(آذر ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

کینه شعر گونه شماره ۴۸

چقدر بد است
این کینه
این درد وحشتناک
در سینه
دیگر نمی مینی
هیچ چیزی را
جز کینه
دیگر نمی شنوی
هیچ صدایی را
جز کینه
هر آنچه شود بتو
یا که شود به دوست تو
پریشان نمی کند
رنجانت نمی کند
اگر رساند تورا
به انتقام این کینه
اگر تباه کنی عمرت را
یا که نا بود کنی پولت را
خوشحال می شوی
شاد می شوی
گر رساند تورا
به انتقام این کینه
چه بدتر است کینه ای
که تباه کنی عمری
نه فقط خود را
که دیگران را

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

که دنیایشان را
که آخرتشان را
و دست آخر هم
نرسی به لذت انتقام آن کینه
(آذر ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

عینکی از کین شعر گونه شماره ۴۷

چقدر بد است
از پشت عینک
دیدن دنیا
آنهم عینکی
به ضخامت همین دنیا
عینکی از کین
از نفرت
عینکی از ترس
از وحشت
عینکی که دوست را
دشمن می داند
عینکی که دنیا را
نا امن می خواند
عینکی که عشق را
نفرت می بیند
عینکی که کین را
رحمت می بیند
عینکی که آب را
آتش می داند
عینکی که خواب را
از خود می راند
حرف من به کسی
با چنین عینکی
این است
عینکی که
جنسش از کین است

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

به چشم هر آنکس هست
بی دین است
(آذر ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

واحد اجباری شعر گونه شماره ۴۶

شغلم معلمیست
کارم بد نیست
گهگاهی هم
از سر لطف یا که شوخی
دوستی یا دانشجویی
استاد می خواند مرا
با خنده می پذیریم
من هم این طعنه را
انگار دوستدارم
این شوخی زیبا را
بعضی وقتها
که بدست دارم
تاز یانه ای از نمره ها
می آزارم با آن
دانشجوی بخت برگشته ای را
آه و فغان او به هواست
از این ظلمی که
حق ما معلمهاست
انگار معلم، بی ظلم
معلم نیست
انگار معلم، بی ترس
معلم نیست

گاه فکر می کنم
چرا خدا
نیست مثل ما

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

معلمها
دوست ندارد
بدهد نمره ی بد
دوست ندارد
بکند کسی را رد
می گیرد امتحان
بارها و بارها
می دهد وقت اضافه
به آنها
می گیرد امتحان را
کتاب باز
می رساند تقلب
آن هم بی آرز
می برد بر منحنی
نمره ها را
می کند حذف
جواب اشتباه را
می زند تبصره
تک ماده ها را
می دهد پروژه
افتاده ها را
تا شاید
پاس کنیم
این واحد اجباری
دنیا را
(آزر ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

روایای دارم من شعر گونه شماره ۴۵

روایای دارم من
روایای بس دل نشین
روایای که در آن
فرهاد دارد ناز
آن هم ناز شیرین
روایای که فردایش
بهتر تر از حالاست
روایای که فرهادش
دلش قد دریاست
روایای که شیرینش
عاشق خسرو نیست
روایای که فرهادش
بازیچه ی او نیست
روایای دارم من
روایای عجیبی است آن
ضحاک مار دوشش
با مار دوست هست ، هان!
مغز انسان را
مار نمی خواهد
عشق ضحاک را
به جای آن خواهد
روایای دارم من
عجیب ترین رویاست
سهراب داستانش
زنده در این رویاست
آنگاه که سهرابش

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

بر خاک کشید رستم
دیگر بر نخواهد خواست
از سینه ی او یک دم
رویایی دارم من
که یوسف آن شیدا است
شیدای دلی است او
که در عشق او رسواست
رویایی که مجنونش
عاقل تر از اینهاست
رویایی که لیلیش
زیباتر از اینجاست
بمن گفت کسی
رویای تو ای بیفکر
نقیض این دنیا است
(آذر ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

عاشقانه شعر گونه شماره ۴۴

در این شب تاریک و تنهایی
در این ظلمت و پریشانی
مرا ترک کرده او
با من قهر گشته او

نمی دانم چرا
انگار دیگر
دوست ندارد مرا
یا که تلافی کرده
شبهای گذشته را

نوری نمی بینم
بجز شب پره ای تنها
که مثل من در این شب هست
آواره ای رسوا

به صداها گوش میدهم
انگار صدای اوست
به جستجو می روم
آری خود اوست

به پیش دیگران رفته
وای بر من، آغوششان گرفته!
آرام صدایش می زنم
اشارتی می کنم
جواب نمی دهد
سکوت می کند

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

بلند بلند فکر می کنم
به دیگران
تا حسادتش را برانگیزم
یک آن

اما نه ، انگار
او واقعا عصبانیست، این بار
شاید بخاطر امروز بود
که ترک کردم او را زود
اما چاره ای نبود
باید می رفتم ، کار بود

دیگر ندارم طاقت دوری از او
باید بکنم آشتی با او
سفیری از دوستی می سازم
التماسش می کنم
شاید دلش برحم آید
شاید مرا ببخشد
شاید به پیشم آید
شاید مرا از تنهایی در آورد

ای عزیز من
ای جان و تن من

قول می دهم که دیگر
با تو مهربانتر باشم
آنگاه که سراغم آیی

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

تو را در آغوش کشم

آنگاه که با منی
فراموش کنم زمان را
انگار که نیستم من
در این دنیای پر صدا

برگرد، ای خوب مهربان
برگرد، ای آرام جان

دیگر نمی بینمش
نمی آید صدایش
نکند رفته باشد
نکند از من خسته باشد

چه ترس بزرگی
چه وحشت عظیمی

چگونه می توان تحمل کرد
زندگی را بی او
چگونه می توان به صبح آورد
شبی را بی او

نمی توان بی او
از یاد برد سختیها را
نمی توان بی او
تحمل کرد دردها را

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

حتی فکرش هم
روحم را می آزارد
حتی نصورش هم
دلَم را می آزارد

نه او بیرحم نیست،
آنقدرها هم
می داند او،
چقدر دوستش دارم

می داند او،
یک لحظه بودنش
فراموش کردن دنیاست
می داند او،
یک لحظه در آغوش کشیدنش
رفتن به عمق رویاهاست

از دور می آید صدایش
می بینمش
انگار التماسه‌ایم را شنیده
انگار دعاها‌ییم کارگر افتاده

دلش برحم آمده
مهرش برون خزیده
خدا را شکر
پروردگارا شکر

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

لبخند میزند مهربانانه
آغوشش را باز کرده
چه خوب و زیباست
زیبا تر از همیشه
دوستش دارم
بیشتر از همیشه

چرا قهر کرده بودی با من
ای عزیز بهتر از جان من
با من، که بیشتر عمرم
در آغوشت بودم
با من، که بیشتر از همه
بفکرت بودم
با من بمان، ای عشقم
با من بمان، ای روحم
با من بمان، ای خوبم
ای خواب مهربانم
خور خور صدای من و خواب
در آغوش یکدیگر
در سکوت شب پیچید
و بیدار بی خواب
در حسرت آغوشش
تا سحر نالید
(آذر ۱۳۹۱، فرامرز هندسی)

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

هوای آلوده شعر گونه شماره ۴۳

نه هوا سرد و نه زمستان است
اما، سرها در گریبان است
نه از سرما،
از آلودگی در گریبان است
هوا آلوده است،
آلوده، آلوده از آه دل‌های سرد پشیمان است

کسی حرفی نخواهد گفت
کلامی نیست
حرفی نیست
فقط آه است و پشیمانیست

ناگاه گفت پیر زنی
باصدای لرزانی
از دست که باید آه کشید؟
که را باید نفرین کرد؟

جوابی نیست
فقط آه است و پشیمانیست
هوا آلوده است،
آلوده، آلوده از آه دل‌های سرد پشیمان است

ابرهایی از دود آه
همه جا را پوشانده
آن دور دورها را نتوان دید
شهرها را نتوان دید

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

دشتها و کوه ها را نتوان دید
حتی البرز در این نزدیکیها را نتوان دید

انگار کوهی نیست

انگار نبوده است

نبوده

که بالا رود آرش از آن

یا اگر رفته

تیرش نه در توران

در این نزدیکی

به زمین نشسته

جووانی گفت

که بود آرش؟

تیر او چیست؟

پیری گفت

آرش

خود مردیست

همان غیرت است و جوانمردیست

تیر آرش

که بود همان جانش

پرواز کرد به دور دورها

گذر کرد از دشتها و کوهسارها

کرد مرزها را باز

کرد دلها را باز

او کرد

آنچه باید می کرد

این ما بودیم

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

که آن تیر را برگردانیم
دلها تنگ
صورتها پوشیده
نفسها گرفته
سرها در گریبان
هوا آلوده است،
آلوده، آلوده از آه دلهای سرد پشیمان است

جوان که تازه فهمید آرش کیست
تازه دید که تیرش چیست
گفت
زندگی هنوز زیباست
هنوز، در این الودگیهم
سخت پابرجاست

شاید، آرش دگری باید یافت
شاید، داستان نوی باید ساخت
زندگی را باید دوست داشت
باید جست، باید گشت
هنوز آرشی هست
هنوز تیر برخاسته از جانی هست
گر رود دور
فراخی هست
آلودگی خواهد رفت
هوای تازه ای هست
باید گشت
باید جست

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

کسی می گوید
چشمهایم نمی بیند
کجاست ایستگاه
کجاست این پناهگاه
دگری می گوید
همه ی چشمها نمی بیند
ایستگاهی نیست
پناهگاهی نیست
جایی نیست
راهی نیست
پیاده یا سواری نیست
هوا آلوده است، آلوده
پیرزن دوباره می گوید
که را باید نفرین کرد؟
سرها در گریبان است
نه از سرما از هوای آلوده در گریبان است

پیر مرد سرفه می زد
آه می کشید
خس خس سینه اش
به گوش می رسید
با صدای لرزان می گفت
با چشمان گریان می گفت
دود آه همه جا را گرفته
آتش ظلم بر افروخته
آخر زمان نزدیک است
آمدن آن مهربان نزدیک است
او می آید

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

من می دانم او می آید
با خود بادی از محبت می آورد
بارانی از رحمت می آورد
دودها خواهد رفت
آلودگیها خواهد رفت
ظلم نخواهد بود
مظلوم نخواهد بود
گناه نخواهد بود
آه نخواهد بود
هوا پاک خواهد شد
دلها صاف خواهد شد
چشمها خواهد دید
آن دور دورها را خواهد دید
دیگر سری در گریبان نخواهد بود
دیگر کسی پشیمان نخواهد بود
او خواهد آمد
او حتما خواهد آمد
نفسهای پیر مرد
به شمارش افتاد
اشکهای چشمش
از ریزش افتاد
دیگر صدایی نبود
خس خس سینه ای نبود
پیرمرد در جایی نبود
او هم پیاده شده بود
هوا آلوده است،
آلوده، آلوده از آه دلهای سرد پشیمان است
سرها همچنان در گریبان است

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

دلها تنگ، اشکها جاریست
هوا آلوده است، آلوده

کسی گفت
آن جوان کجاست
آنکه بدنبال آرش بود کو
یافت او را
یا هنوز در گشت است او
جواب آمد
در ناکجا آباد
نه در خود ایستگاه
در ویرانه ای از کین
آن جوان ناگاه
در هوایی سرد و آلوده
با چشمهایی آلوده
اما پر از امید
پر از غرور
که هنوز می گفت
زندگی زیباست
ناخواسته
پیاده شد
پیر زن دوباره
اما این بار با گریه
گفت
که را باید نفرین کرد؟
از دست که باید آه کشید؟
دگر حرفی نیست
کلامی نیست

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

راهی نیست
جایی نیست
امیدی نیست
فقط آه است و پشیمانیست
هوا آلوده است،
آلوده، آلوده از آه سرد دل‌های پشیمان است

و این پشیمانی
این سبب آه و پریشانی
از خوردن ناگاه یک سیب است
سیبی که خود
منشاء هر فریب است
سیبی که درختش را
آن مایه فریبش را
با ما به دنیا آوردند
سیبی که ناخورده
محبوب هر انسانی است
و آنگاه که خورده شد
آه است و پشیمانی است

هرگاه هوا آلوده ی آلوده شد
هرگاه جهان برهمگان تنگ شد
دلها تنگ شد
چشمها گریست
منجیبی، پهلوانی، آرشی برخواست
تیری انداخت
فراخی شد
هوا روشن شد
دلها شاد شد

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

ابرها رفت
آه ها کم شد

اما این درخت سیب
این میوه ی همیشه فریب
تیر را برگرداند
هوا را آلوده کرد
آه ها زیاد شد
دلها تنگ شد
دلها همچو سنگ شد
و دوباره و دوباره
هوا آلوده شد، آلوده

خس خس سینه ام را می شوم
نمی بیند چشمهایم
کسی می گوید
نوبت توست
باید پیاده شوی
این فرصت توست
باید پیاده شوی
هوا آلوده است،
آلوده، آلوده از آه دلهای سرد و پشیمان است
(آزر ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

رنجش شعر گونه شماره ۴۲

گر عاشقی، مرنجان کس را بگفتار
مباش تو با کس، بدخلق، کج رفتار
شیوه ی نیک ، پیشه کن با کسان
تا نشوی دوباره ، در عشق گرفتار
(آذر ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

مرنجان شعر گونه شماره ۴۱

مرنجان دلی را، که رنجاندن آسان است
مزن زخم برکس، اگرچه پنهان است
چو رنجیدی از دوست، مرنجانش از خود
که انتقام از دوست، نه کار انسان است
(آذر ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

می خواستم شعر گونه شماره ۴۰

کودک که بودم
می خواستم
تو محل، سردسته باشم
تو بازی، تک ستاره باشم
تو مدرسه، خر خونه باشم
تو خونه هم، پسر خوبه باشم
نوجوان که شدم
می خواستم
تو محل، خوش تیپه باشم
تو بازی، هنوز ستاره باشم
از مدرسه، جیم فنگ باشم
تو خونه، اصلا نباشم
یه خوردهم، پول داشته باشم
بزرگ که شدم
می خواستم
دانشجوی تیزی باشم
تو محل، اصلا نباشم
تو خونه، اصلا اصلا نباشم
تا می شه، پول داشته باشم
بزرگتر که شدم
می خواستم
سالم و قوی باشم
معلم محبوبی باشم
همسر خوبی باشم
پدر با حالی باشم
خیلی خیلی، پولدار باشم

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

پیر که شدم
می خواستم
فقط سالم باشم
محتاج کسی نباشم
درد مفصل، درد سینه
درد آه ، درد کینه
درد بی کسی
درد بی چیزی
درد ..
نداشته باشم

اما افسوس ، که نشد
هیچوقت نشد
من برسم
به آنچه من می خواستم
(آذر ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

زنی را می شناسم من شعر گونه شماره ۳۹

زنی را می شناسم من
که در کوثر جای دارد
ز بس نکته بین است او
ز اسرارها خبر دارد
زنی را می شناسم من
که مادر عیسی است او
نه مردی لایقش بوده
نه عشقش در این دنیاست او
زنی را می شناسم من
که مادر حسینهاست
آنقدر بزرگ است او
که مایه ی خلق دنیاست
زنی را می شناسم من
که ایرانش ، نام نهند مردم
زنی که عشقش را
به همه دنیا برند مردم
زنی را می شناسم من....
(آذر ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

گناه شعر گونه شماره ۳۸

زنی را می شناسم من
که می مرد ز یک تحقیر
اما همه عمرش بود
خود مایه هر تقصیر
آواز می خواند او
که گناهش را نمی داند
اما گناه او
بود بازی این تقدیر
آنگاه که بودیم ما
خوشحال در آبادی
او بود که کرد مارا
آواره به این وادی
(آذر، ۱۳۹۱، فرامرز هندسی)

زمان شعر گونه شماره ۳۷

چیز عجیبی است
این زمان
یکسان نگذرد
بر همگان
گر تند گذرد
گوی حیف
گر کند
سخت شود این دوران
(آذر، ۱۳۹۱، فرامرز هندسی)

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

××توجه این شعر گونه ها هنوز تصحیح کامل نشده و هنوز مجوز چاپ ندارد و صرفاً جهت نظر خواهی در اختیار بعضی دوستان قرار گرفته است××

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

رویا شعر گونه شماره ۳۶

سحرگاه
در خواب دیدم تو را
خوشحال بودی و خیلی زیبا
با نگاهی که می کردی به من
انگار
دوباره دوست داشتی مرا
می خندیدی و می گفتی به من
درد تو
باشد بر جان و تن
با این کارها
احساس دوستداشتنت را
دوباره
زنده کرده بودی در من
احساس با تو بودن
احساس خوبی کردن
انگار عشقت را
همه داده بودی به من
چه رویای زیبایی بود
چه عشق پایداری بود
وقتی که لمست می کردم
انگار که در بیداری بود
رویایی که گرچه خیلی
زیبا بود
افسوس که فقط یک رویا بود
آنگاه که بیدار شدم از خواب

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

دیواری هنوز
بین ما بر پا بود
(آذر ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

××توجه این شعر گونه ها هنوز تصحیح کامل نشده و هنوز مجوز چاپ ندارد و صرفا جهت نظر خواهی در اختیار بعضی دوستان قرار گرفته است××

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

روز کتابدار شعر گونه شماره ۳۵

روز کتاب است و دارنده ی اوست
روز علم است و نماینده ی اوست
روز یاد گیر است و دانایست
روز کتابدار است و برازنده ی اوست
(آذر ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

رفتارش شعر گونه شماره ۳۴

دیوانه شدم ز دست رفتارش
خدایا
به لب آورده جان را گفتارش
خدایا
ده عقلی به اوتا شود آزاد
ز زندانی که هست گرفتارش
خدایا
(آذر ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

دوست دارم بگویم شعر گونه شماره ۳۳

دوست دارم، شعر بگویم
از عشق و از شور بگویم
از سختی و رنج همه
از دل‌های کور بگویم
دوست دارم، حرف تاره
از مرگ و از گور بگویم
دنیا را خوب بگردم
از جاهای دور بگویم
دوستدارم، هر سحرگاه
از شفق، از نور بگویم
حرف از عشق خدا را
در کوه طور بگویم
دوستدارم، مرد باشم
از ظلم و از زور بگویم
از کسی دیگر نترسم
از جای نمود بگویم
دوستدارم، اما افسوس
شعر نیست، آنچه می گویم
(آذر، ۱۳۹۱، فرامرز هندسی)

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

دانشگاه شعر گونه شماره ۳۲

این دانشگاه ماست
اینچنین ضعیف شده
استاد و دانشجو
اینقدر نحیف شده
همه تقصیر ماست
آنچه می بینیم
دل نازک ماست
ایچنین لطیف شده
(آذر ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

آتش شعر گونه شماره ۳۱

دوستان من، دور کنید مرا ز خود
من آتشم و می سوزم خود بخود
ز خاکستر من هم، حذر باید کردن
خاکستری که کشد، همه را در خود
(آبان ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

جاده شعر گونه شماره ۳۰

در یک جاده ی پر پیچ و خم و تار
در یک اتوبوس پر ز اسرار
بیافتم من رازی ز خلقت
رازی که شود نوری به ظلمت
در آن اتوبوس تنگ و تاریک
که می گذشت ز جاده های باریک
ندیدم کسی، دوستی، آشنایی
داشتم حس غریب بی پناهی
بگفتم بخود، بگذرد این راه
چه سخت، چه ساده، بی هیچ همراه
چو اتوبوس، گذر کند ز این راه
رساتد به مقصد، مرا سحرگاه
نماند ز راه و سختیش هیچ اثری
چو به انتها رسد، هر سفری
نبودم آگاه، این عمر من است
در این شب تاریک، در حال رفتن است
چو شناسم کسی را در این راه
نباشم من با هیچکس همراه
به سختی گذر کند، عمر م در این راه
شود مقصد برابیم، دور و دیرگاه
(آبان ۱۳۹۱، فرامرز هندسی)

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

عباس شعر گونه شماره ۲۹

عباس آنجاست،
در کربلا امروز
می کند سیراب،
عاشقانرا امروز
او خود عشق است،
کند عاشق را دوا
او خود وفاست ،
دهد درس وفا امروز
او برای آب نمی رود به فرات،
ای کوفیان
می رود تا کند،
نجواها با خدا امروز
گر دهید او را آب
ننهد وقعی به آن
گر کنید دستش قطع ،
کند خنده ها امروز
او برای جنگ نامده اینجا ،
ای بیخردان
آمده که کند،
جان خود را فدا امروز
(آبان ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

همسفران شعر گونه شماره ۲۸

ما همسفران یکدگریم در این راه عبور
به ، همه راه را کنیم شادی و سرور
گر رنجیده کنیم همسفران خویش را
سختی راه فزون شود، کرور کرور
(آبان ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

ناسازگار شعر گونه شماره ۲۷

خجلم به روی تو ای روزگار
که نیستم با تو من سازگار
تو مرا به غرب کشانی ز مهر
میل شرقم شود، خواستگار
چو به شرق آریم باز
غرب شود برایم، ز رنگار
از معشوق که جدایم کنی
کام او طلبم ز کردگار
چو به او رسانیم باز
دوریش کند مرا رستگار
چو جوانم و سالم، همه دم
مال و جاه خواهم ز پرودگار
چو به مال و جاه رسانیم ز لطف
پیر گشتم و بیماری، شده ماندگار
این چه حکمت است ای خدای حکیم
که من، اینچنینم ناسازگار
(آبان ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

نوبت شعر گونه شماره ۲۶

پدر را دیدم
فتاده به جا
گفتم این آینه ایست
بدست ما
کنون او چنین ناتوان شده
فردایی هم باشد
نوبت ما
(آبان ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

نفرین شعر گونه شماره ۲۵

به دردی گرفتار شدم ، حاصل کارم بود
نه کار بد، نیکی رفتارم بود
خوبیها کردم به این و آن
حاصلش نفرینی در جانم بود
مادرم نفرینم کرد، هر آنگاه خوبی کردم
پدرم خود، مایه نفرین در کارم بود
آه و نفرینی که کنند در کار خوب
همه حاصل این عمر بی بارم بود
نکنید در حقم دگر این نفرین
پیر شوی ، سبب این حال زارم بود
(آبان ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

خبرت هست شعر گونه شماره ۲۴

خبرت هست، که دور جوانی طی شد
حاصل آن، فقط جرعه ای از یک می شد
مانده ای تو و چند صباچی دگر
چشم برهم زنی، چند صباحم طی شد
(آبان ۱۳۹۱، فرامرز هندسی)

غرور شعر گونه شماره ۲۳

باورم گشت که شاعر شدم
نه فقط شاعر، یک ساحر شدم
از خیام پیشی توانم جست
در قلم همچو ناصر شدم
حافظ کجاست، که گوید غزل
در غزل، من چه ماهر شدم
آنقدر گفتم که باورم شد
در شعر، شاعری نادر شدم
در ذهن طنابی بافتم زغرور
طنابی که با آن، بر دار شدم
(آبان ۱۳۹۱، فرامرز هندسی)

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

غره شعر گونه شماره ۲۲

گمانت هست بهتر از دگرانی تو
در جمال زیباتر از خوبرویی تو
غره نشو که در چرخش روزگار
چرخشی و ناتوانتر از ناتوانی تو
(آبان ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

درد گران شعر گونه شماره ۲۱

دردی داشتم سخت گران
همه وقت بودم ز آن من نالان
شکایت به خدا بردم من
که دهد مرگ مرا یا که شفا در یک آن
گفت خواهی فراموش کنی آن درد را
انگار نبوده است آن درد روان
گفتم ز دلم آگاهی تو
ای خدای خوب خوب مهربان
دردی دگر بخشید مرا خدای حکیم
که ز درد این فراموش کردم آن
(آبان ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

افسوس شعر گونه شماره ۲۰

افسوس که گذشت ایام جوانی
بی آنکه بدانم چه بود زندگانی
سخت کوشیدم بشناسم جهان را
غافل از آنکه هست جهانم فانی
(آبان ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

دل سنگ شعر گونه شماره ۱۹

تندی کردم پدر را
که پیر شده است و تنها
گفتم به او با تندی
هم فارسی، هم کردی
مکن تو ناله و آه
مکن رفع حاجت ناگاه
مزن فریاد از درد
مباش اینقدر تو سرد
نگفت چیری و نگاهم کرد
نگاهی که صد آغم کرد
گفتم بخود این منم؟
جوانمردم یا که زنم؟
نیستم من در وضع او
ندارم من دردهای او
ندانم که بود این مرد؟
نداشت در مردی همورد
این گناه او نیست که چنین شده
دل سنگ من است که نفرین شده
(آبان ۱۳۹۱، فرامرز هندسی)

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

اجل دوباره شعر گونه شماره ۱۸

اجل دوباره به خوایم آمد و گفت مرا
چه با خود خواهی آورد از این مهمانسرا
عمری تباه کردی و مالی یافتی
این مال و ملک و جاه نکند سود تو را
بقیه عمر در جنگ بودی با دیگران
جنگی که نبرد راهی جز به ماتمسرا
گفتم اندکی هم علم آموختم من
رنجها بردم برای آن ، در این محنت سرا
گفت علمی که ندارد عمل
بماند همینجا ، در این بیداد سرا
(آبان ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

بزرگداشت دکتر طحانی شعر گونه شماره ۱۷

بزرگداشت دکتر طحانی بود دیروز
نه مجلس ختم، ز او یادها بود دیروز
همه گفتند، فراوان در وصف او
هر چند بهتر از اینها بود دیروز
همه بودند همدل و بیاد او
انگار اوهم در میان ما بود دیروز
اگر چه می دید، وضع دانشکده را
دست به یقه با همه ی ما بود دیروز
گفت ، منتظری ، از خاطرات او
گویی ، رئیس دانشکده بود دیروز
همدانی گفت از لذت شاگردی او
نه همدانی همیشگی، خیلی بهتر از اینها بود دیروز
قیصری کرد ، فراوان در یاد او
انگار، دانشجوی خوب ما بود دیروز
همه گفتند کم و بیش ز خوبیهای او
گرچه نبود لایق او ، ظرفیت ما بود دیروز
(آبان ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

سپهر شعر گونه شماره ۱۶

سپهر، که بود باهوش و مهربان
صدافسوس، که او رفت ز ایران
فرار مغزهاست، رفتن او
یا که هست ، رفتن یاران
(آبان ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

تظاهر شعر گونه شماره ۱۵

چه سخت است تظاهر کردن

تظاهر به شادی

به خوشبختی

به دلگرمی کردن

با دلی پر درد خندیدن

فریاد نزدن

سکوت کردن

بی کس بودن

غریبه را آشنا

آشنا را فامیل خواندن

چه سخت است

تظاهر کردن

تظاهر به خوبی

به مهربانی

به سربراهی کردن

(آبان ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

اتوبوس شعر گونه شماره ۱۴

فکر کرد بزرگ شده
نه که میش بلکه گرگ شده
گفت می رم تنها
ندارم نیازی به همراه
اینکه هر روز دارم سرویس
فقط خوب برای فیس
خسته شدم از یکنواختی
انگار همه عمر تو باختی
بگذارید برم با اتوبوس
از این خونه تا خود فردوس
اتوبوسها این روزها خیلی عالیند
خیلی بهتر از سواریند
اینقدر گفت این دخترک
هم ساده هم متلک
راضی شدم من ساده
دیدم حرفام نداره فایده
فرداش، صبح زود، بیدارش کردم
یه خورده هم، نازش کردم
گفتم بیدار شو دختر نازم
که عمرم را برات ببازم
صبح شده عزیز بابا
دختر ناز خوشگل بابا
صبح شده باید پاشی
برای مدرسه خوب آماده شی
گفت بابا زود هنوز
خیلی مانده تا بشه روز

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

بذار یکم من بخوابم
تا تو کلاس دیگه نخوابم
دیشب خیلی خسته بودم
یه خوردهم دل شکسته بودم
امروز صبح میرم با سرویس
این یه دفعه را پای خودم بنویس
از فردا میرم با اتوبوس
دیگه نمی کنم خودمو خیلی لوس
این و گفت و ولو شد
آبشو کشیدن چلو شد
دیگه نگفت من میرم تنها
می خوام برم بدون همرا
قدر سرویس رو فهمید
طوری که تو خوابم نمی دید
(آبان ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

هج ۲۰۰۰ شعر گونه شماره ۱۳

به حج رفتم
سال دو هزار
دیدم مردمان
هزاران هزار
پیر، جوان، سیاه ، سفید
از هر کدام
صدها هزار
توی خانه ای
میهمان بودند
هم برای شام
هم برای نهار
برای صاحبخانه
آورده بودند
بجای کادو
فقط قار و قار
نه لباسی به تن
نه کفشی بپا
با این وضعیت
می دادند شعار
لبیک می گفتند
صاحبخانه را
اما گذاشته بودند
او را سرکار
دور این خانه
فقط می چرخیدند
خانه ای که داشت

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

عمر چند هزار
از این همه
هیچکس داخل نشد
صاحبخانه ماند و کلی ناهار
(آبان ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

عینک شعر گونه شماره ۱۲

عینکی می خواهیم، زیبا ببیند
هر آنچه خوب باشد، یکجا ببیند
اگر مردم غمگینند و گرسنه
دلهای آنها شاد و سفره هاشان پر غذا ببیند
اگر سدها بی آبند و رودها خشک
آنها را همچو بهاران، پر ز آب ببیند
اگر گلها خاردارند و عمرشان کوتاست
آنها را بی خار و جاودان ببیند
اگر پیری خمیده است و بیمار
او را سالم و برنا ببیند
اگر دزدی، سارق، دروغگویی دید
او را مخلص و راستگو ببیند
اگر بزرگی، شبخی، مرادی، خطایی کرد
خطاهای او را تماما سهوی ببیند
اگر جنگ است و نزاع بین مردم
این جنگ را صلح و ان نزاع را دوستی ببیند
مرادم عینک خویش به من داد و گفت
هر چه خواهی همه را این ببیند
(آبان ۱۳۹۱، فرامرز هندسی)

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

قربانی شعر گونه شماره ۱۱

عید قربان به مسلخ بردند ما را
جدا کردند و سر بریدند بعضی ها را
نوبت به من که رسید، گفتم به
به ، به این انسان که کند قربانی ما را
اوست که بایدکنند قربانی
نه من بخت برگشته و گوسفند ها را
ابراهیم به مسلخ برد، اسماعیل را
نه همچو شما ، گوسفندی همچو ما را
(آبان ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

اجل شعر گونه شماره ۱۰

اجل بخوابم آمد و جان خواست
گفتم به این زودی؟
زمان خواست
گفتم فعلا نه،
سال دیگر
گفت سال دیگر !
گفتم نه چند سال دیگر
گفت سخته خوب است،
گفتم نه
دردش زیاد است،
طور دیگر
گفت تصادف ماشین،
هواپیما، یا تصادف دیگر
گفتم نه
خدا نکنند،
طور دیگر
گفت سرطان یا مریضی دیگر
گفتم نه،
اطرافین اذیت می شنند،
طور دیگر
گفت سخته نه
تصادف نه،
بیماری نه،
پس چطور دیگر؟
فکر کردم و گفتم،
نمیدانم،

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

طور دیگر
گفت بنظر نمی خواهی بیایی
حیف شد این حوری
گفتم کو؟
کجا؟
کدام حوری؟
گفت ببین،
این حوری
گفتم با این حوری!
هروقت و هر طور دیگر
(آبان ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

دخترم شعر گونه شماره ۹

دخترم
با بهار آمدی و شاد نمودی دلم را
خوش قدم آمدی و نعمت بخشیدی خانه ام را
پر زمهر و شور و شادی،
پر ز عشق
با صفایت رونق دادی خانه و کاشانه ام را
باطراوت، با طرب، با خنده های لبانت
شعر بخشیدی لبان بسته ام را
با دیدن یک لحظه روی زیباییت،
ثنا جان
جانی دیگر بخشیدی
پاهان خسته ام را
(مهر ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

باغ وحش شعر گونه شماره ۸

عجب باغ وحشی هست
این شهر رنگارنگ
پراز حیوانات عجیب و جور و جور

اسبانی سرکش
از تازیانه روزگار ان رام
سوارانی چاق
تازیانه بردست
تندخو ، ظالم

سگان گله
که از بس پارس کرده اند
دزد، دزد
دگر صدایشان
به ناله شبیه است
دزدانی که به اذن کدخدا
می کشند
هر سگ گله را
چپاول می کنند
گله اش را

گاوانی شیر ده
که روزی نه من شیر می دهند
اما یک قطره هم
به گوساله ای نمی رسد

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

گاودارانی بیرحم
که شیرها را دوشیده
گاوان را
تا سرحد مرگ ترسانده
تا شیرهای مانده
خشک شود
مبادا به گوساله ای
قطره ای برسد

گوسفندانی پر پشم
که پشمهایشان
در سرما و گرما
چیده می شود
پشم چینانی عبوس
که ذره ای پشم
بر بدن گو سفند
روا ندارند
مکنند در سرما
او را کمی گرم کند
عجب باغ وحشی هست
این شهر عجیب
عجب
(مهر ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

من نیستم شعر گونه شماره ۷

آنچه می گویند
من اصلا نیستم
من عالی نیستم ،
خوب نیستم ،
سربراه هم نیستم

پسر خوب ،
همسر مهربان ،
پدر فداکار ،
اینها که قطعاً نیستم

من عالم نیستم ،
عابد نیستم ،
عاقل نیستم
عارف نیستم ،
عاشق نیستم ،
عازم هم نیستم

معلم نیستم ،
مدرس نیستم ،
محقق نیستم
این نیستم ،
آن نیستم ،
آن دگر هم نیستم

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

پس چیستم؟
نمی دانم که کیستم؟
چرا آنچه خوب است نیستم؟
یادم رفت
اگرچه خود فهمیده اید
من شاعر هم نیستم
(مهر ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

بیست ساله شعر گونه شماره ۶

پسرم بیست ساله شد
گفتند شعری بگو
بی خبر آنکه
من اصلا
شاعر نیستم
گفتند
پس بگو پندی، اندرزی،
لا اقل سحری بگو
سر به پایین گفتم
من عالم یا که ساحر نیستم
گفتند
آن همه آه و ناله
گفتی در حجر دیگران
در جشن ما هم
ز عشق و از شادی بگو
گفتم افسوس
که با این همه غم ،
من دگر شاد
یا که عاشق نیستم
گفتند
پس لا اقل شاد باش
هرچه دلت خواست بگو
گفتم افسوس که من
در این قرن عجیب بیست و یکم
خوشحال نیستم
(مهر ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

××توجه این شعر گونه ها هنوز تصحیح کامل نشده و هنوز مجوز چاپ ندارد و صرفاً جهت نظر خواهی در اختیار بعضی دوستان قرار گرفته است××

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

پسر م شعر گونه شماره ۵

پسر م ،
الهی که دلشاد باشی
در این چند روز دنیا،
خرم و آزاد باشی
به آنچه خواهی ،
برسی در دنیا
در آخرتم ،
رو سفید الله باشی
اگرچه نبودم ،
برایت پدری خوب
انشالله ،
تو برای پسرت ،
بهتر از اینها باشی
(مهر ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

خاکسپاری شعر گونه شماره ۴

چه آسان ،
خداحافظی کردند و رفتند
چه آسان ،
تو ماندی در زیر خاک
تو ،
بر گوری آرامیدی
که فرزندات
39 سال پیش خوابید
اما انگار
فاصله ای نبود بین شما
هر دو رفته
بر زیر خاک
خفته ،
چه یک ساعت
چه ۳۹ سال و یک ساعت
حال همه رفتند
خسته از ناله هایت
دلنتگ خنده هایت
چه خواهد شد
من نمی دانم

آنچه شد
بخاطر زندگان بود و بس
اینکه بکارت می آید
آنچه تند تند
در گوشت خواندند

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

قبل از آنکه بریزند
خاک را بر رویت
من نمی دانم
چه بر تو خواهد گذشت
من نمی دانم
آنچه می دانم
این است
خدا بزرگتر از آن است
که تو و همه ی ما را
نبخشد
(مهر ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

عموجان شعر گونه شماره ۳

عموجان ،
تو همدرد غصه هایم بودی
تو سنگ صبور داغ جوانم بودی
داغ من و تو ،
بی همتا بود
درد من و تو ،
بی دوا بود
تو رفتی و
دردهایت دوا شد
من ماندم و
آه بر دلم
نوا شد
(مهر ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

برادر شعر گونه شماره ۲

مگر ما چه کرده بودیم !

برادر

که باید می دیدیم ،

دردهایت

باید می شینیدیم ،

ناله هایت

باید می گریستیم ،

با اشکهایت

و باید می ساختیم ،

با رفتن بی ودایت

(مهر ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)

شعر گونه های دکتر فرامرز هندسی
دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر
دانشگاه صنعتی اصفهان
تلفن ۰۳۱۱۳۹۱۵۳۸۰
پست الکترونیکی fhendessi@gmail.com

دردهایت شعر گونه شماره ۱

چه بی انتها بود ،
دردهایت
چه بی صدا بود ،
نال هایت
چه پر معنی بود ،
اشکهایت
چه غم بار بود ،
غصه هایت
و چه مظلومانه بود ،
ودایت
(مهر ۱۳۹۱ ، فرامرز هندسی)